



## کودکان تن فروش

سلیمان قاسمیانی

او اکنون ۱۵ ساله است. وقتی که هنوز ۸ سالش بود مادرش از سر فلاکت، میخواست دختر سه ساله‌اش را بفروشد تا شاید حداقل مثل آنها برای نان روزانه در مضیقه نباشد. او حاضر میشود خودش را بفروشد تا خواهرش از زور بی نانی فروخته نشود. تن و جان تن‌فروش خردسال، سپر بلای خواهر سه ساله‌اش میشود اما تا کی؟ آیا همان دستی که تن خود او را و کودکی او را، آنچنان بیرحمانه درو کرد، به تن و جان خواهرش چشم نخواهد داشت؟!

با خواندن مطلبی کوتاه از دختری تن‌فروش، در "وبلاگ جای تلخ"، قلم گرفت. کل مطلب بیش از ۱۰ خط نیست اما نه کمتر از یک رمان حرف میزند. دلخراش است به معنای واقعی کلمه چرا که کودکانی را برایمان ترسیم میکند که مجبورند با شانهای زندگی نوانسانی را بر دوش بکشند؛ نان‌آور خانه شوند و مسئولیت جان نه تنها خویش بلکه خواهران و برادران و والدینشان را نیز عهده‌دار گردند.



فاجعه این است که تن‌فروش نونهال بانگ برآورده در "جای تلخ"، یک استثنا یا یک اتفاق نیست. دردآور است اما او بدون شک دهها هزار خواهر و برادر دیگر در ایران دارد که همان سرنوشت را با او تقسیم میکنند، همان کابوسها را میبینند؛ همان توهین روزمره را به انسانیت، به زندگی و به کودکی، با هر لقمه نانی که به زور فرو میکشند را شهادت میدهند؛

صفحه ۲

## رفتار با کودکان



فرزاد ادیبی کارشناس تعلیم و تربیت

**اول کودکان:** برخورد پدران و مادران با کودکان باید چگونه باشد، یا بر اساس چه اصولی باید استوار باشد؟

### قسمت هفتم

مهمترین سلاحی که ما داریم عشق ما به فرزندانمان است که تحت هیچ شرایطی ولو اشتباهات بزرگ و فاحش کودکانمان نباید کم شود. ابراز عشق و محبت پدر و مادر به کودک نباید هیچ مرز و اما و اگر را دربر داشته باشد. دومین سلاح مهم ما بحث کردن حول ماجرا است. شیوه پیش بردن بحث هر چند با هر کودکی متفاوت است اما این هم از یک چهارچوب عمومی برخوردار است. از موقعیت بالا با کودک نباید بحث کرد. حتی از نظر فرم نشستن و بحث کردن بهتر است، شما و کودکتان در یک سطح برابر نشسته باشید. مثلاً وقتی می‌خواهید با کودک چهار ساله خود صحبت کنید بهتر آن است که شما بنشینید تا به سطح وی و چشم در چشم او باشید. بحث را با سوال "چرا اینکار را کردی؟" شروع نکنید. این اشتباه ترین سؤال است که کودک در مقابلش یا سکوت خواهد کرد و یا خواهد گفت "نمی‌دانم". در عوض می‌شود این سؤال را کرد "چه می‌خواستی که اینطوری شد؟" یا "چه بازی می‌خواستی بکنی که اینطوری شد؟" حتی می‌شود که بحث را با سوال شروع نکرد و خواهش کرد که کودک تعریف کند

در قسمت پایانی بخش ششم، چند سؤال مطرح کردم. از جمله آیا کودک ما حق اشتباه کردن دارد؟ آیا وظیفه ما پدران و مادران فقط راهنمایی و مشورت دادن به کودکانمان است؟ حال که نه کودکان را می‌توانیم تنبیه بدنی کنیم نه روانی، نه تهدید به قطع پول توی جیبی و نه مجازیم که او را از بیرون رفتن منع کنیم، پس ما پدر و مادر چه سلاحی داریم؟ اگر کودکان خطا کرد "به زعم ما" چه باید کرد؟ باید قبل از هر چیز خوانندگان عزیز را رجعت بدهم به اولین بخش جواب سؤال که در آنجا تاکید می‌شود که هیچ نسخه یکسانی برای رفتار با کودکان وجود ندارد، کودکان هرکدام خصوصیات ویژه ای دارند که باید دانش عمومی و علم تعلیم و تربیت (پداگوژی) را بر این خصوصیات ویژه تطبیق داد. به این اعتبار در بحثی که در پیش رو داریم، نمی‌توان یک نسخه عمومی بیرون کشد، اما می‌توان روی سلاح عمومی که ما پدران و مادران داریم، به توافق رسید و سپس آنرا بر اساس ویژه گی هر کودک، شکل و فرم ویژه ای داد. اولین و

صفحه ۳

## کودکان کریشنا در آتش سوختند!



خانه‌ها فضای آموزشی از امکانات ایمنی کاملاً بی بهره اند. شناسایی اجساد کودکان در بسیاری موارد غیر ممکن است حتی نمیتوان مشخص کرد که آنها پسرند یا دختر. در سال ۱۹۹۵ نیز آتش سوزی دیگری در شمال هند اتفاق افتاد که در آن بیش از ۴۰۰ نفر که اکثر آنها را کودکان تشکیل میدادند جان باختند.

۸۰۰ دانش آموز در مدرسه بودند. دلیل آتش سوزی اتصال برق آشپزخانه بوده است. نبود امکانات ایمنی برای مهار آتش از مهمترین دلایل این فاجعه بوده است. بیشتر کودکان کشته شده و آسیب دیده دانش آموزان کلاس پنجم بودند که در بالای آشپزخانه کلاس داشتند. بیشتر مدارس هند در خانه های قدیمی تشکیل میشود و به دلیل قدیمی بودن این

در آتش سوزی شدیدی که هفته گذشته در مدرسه کریشنا هند رخ داد بیش از ۱۰۰ دانش آموز بین ۶ تا ۱۳ سال جانشان را از دست دادند. این مدرسه در ۲۰۰۰ کیلو متری دهلی نو قرار دارد لذا انتقال کودکان سوخته با مشکلات فراوانی روبرو است. این مدرسه ۹۰۰ دانش آموز دارد که در زمان وقوع حادثه

زندگی شاد، امن و خلاق حق مسلم کودکان است

## مرگ کودک در سقوط از پشت بام

دو کودک اصفهانی در خواب غلتیده و از پشت بام به پایین افتادند. در این حادثه یکی از کودکان جان باخت. این دو کودک که فاطمه و ابوالفضل نام داشتند در حالی که با والدینشان بر روی پشت بام منزل به خواب رفته بودند بر اثر غلت خوردگی به حیاط منزل سقوط کردند. فاطمه دختر سه ساله خانواده در همان دقایق اولیه حادثه جان باخت. اما تلاش پزشکان برای نجات جان برادرش همچنان ادامه دارد.

## احداث سالن نمازخانه در مدارس تهران

شهردار تهران: «احداث ۳۰ هزار متر مربع سالن و نمازخانه در مدارس شهر تهران در دستور کار شهرداری قرار گرفته است»

## احداث سالن برای نمازخانه و محل درس خواندن دانش آموز در ایران



## فروش کودکان در چین

در شمال چین یک باند خرید و فروش کودکان و نوزادان توسط پلیس دستگیر شدند. این باند تاکنون ۶۶ نوزاد را از بیمارستانهای منطقه مغولستان داخلی در شمال چین ربوده و فروخته است. گزارش حاکی از آن است که نوزادان تنها چند ساعت پس از تولد توسط اعضای این باند ربوده شده اند و سپس در نواحی که برنامه تک فرزندی در حال اجرا است، فروخته میشوند.

به سایت [www.barnenforst.com](http://www.barnenforst.com) مراجعه کنید

و به سوالات زیر رای بدهید

آیا حجاب کودکان زیر ۱۸ سال را باید ممنوع کرد؟

آیا سمبلهای مذهبی در مدارس باید ممنوع شود؟

آیا مدارس مذهبی برای کودکان زیر ۱۸ سال باید ممنوع شود؟

## اول کودکان

دوشنبه ها منتشر میشود

## دست مذهب از زندگی کودکان کوتاه

ادامه

### کودکان تن فروش

بزهکاری که نه فقط تا پای چوبه دار میروند بلکه در ملاء عام بر چوبه‌های دار آویزان میمانند؛ در مراکز تن‌فروشی اسلامی که دختران خردسال را از ۹ سالگی رسماً و قانوناً در آغوش مردان میاندازند؛ در بازار کودک ربایی و کودک فروشی که سر از آستین آیت‌الله‌های قم و کارگزاران خانه‌های سبز دولتی در میآورد و به کشورهای عربی، هند و کورده‌پزخانه‌های پاکستان ختم میشود؛\* در خیل کودکان شبح‌گونه‌ای که مثل تن‌فروش سیاه بخت هشت ساله در "چای تلخ"، اندام جنسی کودکان‌شان به کشتزار خدایان بیمار تبدیل میشود.. میتوان دید.

سرمایه بی اخلاق است و تنها ارزشی که بر آن حکم میراند خودافزایی بیوقفه آن است. سرمایه بخودی خود هیچ مرز و محدودیت ذاتی برای سودآوری خود نمی شناسد. اگر محدودیتی وجود داشته باشد تنها به توازن قوای سیاسی و طبقاتی مربوط است. بدون چنین توازن قوایی، سرمایه کور و کر و هار، میدان داری خواهد کرد و بر جسم و جان کودک و پیر و جوان میتازد.

اگر در سوگ کودکی بریادرفته تن‌فروشان هنوز کودک، برکسی تاخت و یقهای را گرفت باید انگشت اشاره را بر صاحبان قدرت دوخت؛ بر کاپیتالیسم منحط تف انداخت؛ صفحه استثمار انسان از انسان را برای همیشه بست و آوای دنیایی کاملاً آزاد و برابر و انسانی را سر داد؛ دنیایی که نه فقط زندگی، بلکه هیچ چیزی را در آن نمی توان فروخت و نان و حیات در گرو هیچ چیز نخواهند بود؛ دنیایی که همه چیزش در خدمت زندگی و سعادت برابر بشری است.

\* به نقل از مقاله خانم "دانا ام. هیوج" با عنوان "جهاد بردگی سکس"، ۲۶\_۱\_۲۰۰۶، در [FrontPageMagazine.com](http://FrontPageMagazine.com)

همان فلاکت را تجربه میکنند و همان نفرت را از جامعه و بزرگسالانش در دل میپروانند. برای درک ابعاد این فاجعه نیازی به تحقیقات آکادمیک، سرشماریها و آمارهای دولتی و غیردولتی، هیچکدام، نیست. فقط بیاد بیاورید که در طول سال گذشته چند صد هزار کارگر خشم فروخورده سالها زیر خط فقر زیستن را فریاد کردند و برای دستمزدهای ماهها بتعویق افتادشان شاهراهها را مسدود کردند و بانگ گرسنگی را به خیابانها کشاندند. به حداقل دستمزد ماهانه تصویب شده امسال دولت، ۱۰۶ هزار تومان، نگاهی بیاندازید و از خود بپرسید که جان و روح کارگر و خانواده‌اش هر ماه باید از چه جهنمی عبور کند تا بتواند زنده، پا در ماه آتی بگذارد. آری این در حالی است که اداره آمار، سقف هزینه ماهانه یک خانواده دو نفری شهری را حداقل ۲۵۰۰۰۰ تومان برآورد کرده است. یادمان نرود که این برآوردهای رسمی دولتیان است و هیچوقت با واقعیت آنطور که باید، آشتی ندارد. اما حتی با احتساب این آمار هم باید از خود پرسید که خانواده کارگر با چه معجزه‌ای و از چه سوراخی مابقی هزینه‌های زندگی را تامین خواهد کرد؟ در بازار سرمایه ایران، کارگری را که کار دارد، حتی اگر دستمزدش هم ماهها بتعویق افتاده باشد، باید در ردیف فقرای خوشبخت قرار داد.

سئوال این است که آن میلیونها بیکاری که هیچ منبع درآمد دیگری جز نیروی کار مفتشان ندارند، چگونه زندگی را مهار و بار طاقتفرسایش را با جیبهای خالی به فراداها میرسانند؟ بخشی از جواب این سئوال را در خیابانهای تهران و در میان آن ۱۴ هزار کودک خیابانی، طبق اعتراف خود دولتمردان، میتوان یافت؛ به کودکان

سردبیر

هفته نامه

«اول کودکان»

امیر توکلی

tel:

00 358 405 821 776

e.mail:

tavakoli@hotmail.com

مسئول مرکز پخش:

شهلا خباززاده

ava\_kodakan1@yahoo.de

shahla-xabazzade@t-online.de

رئیس

کمپین بین المللی دفاع

از حقوق کودکان

«اول کودکان»

ثریا شهابی

tel:

00 44 7 981 343 101

e.mail

soraya\_shahabi@yahoo.com

Main Office:

Chair Person,

Soraya Shahabi

CF, BM Box 1919

London WC1N3XX

England

Tel: 44-798 134 3101

Fax: 1-413-639-1602

تلویزیون اول کودکان

در کانال جدید

Satellite: Telstar 12

Center Frequency:

12608 MHz

Symbol Rate: 19279

FEC: 2/3

Polarization:

Horizontal

آدرس اول کودکان

در سوئد

[www.barnenforst.com](http://www.barnenforst.com)

[barnenforst@hotmail.com](mailto:barnenforst@hotmail.com)

ادامه

## رفتار با کودکان

که چه می خواست بکند که اینطور شد. و یا اینکه خود شما تعریف کنید که همین اتفاق برای شما در کودکی اتفاق افتاده است. در هر صورت بحث نباید به شکل محاکمه شروع شود. گفتگو و حوصله یک گفتگوی طولانی با کودک تنها شکل اصولی برخورد با اشتباهات کودک است. فرض این است که کودک اشتباه کرده است و عملی خلاف چهارچوب موازن عمومی پدر و مادر انجام داده است. اینکه چه عملی از طرف کودک اشتباه است و چه عملی اشتباه نیست، بحث دیگری است که در این مطلب نمی گنجد. داد زدن بر سر کودک و عصبانی شدن ما، هیچ نتیجه مثبتی نمی دهد. در یک فضای سالم و دور از تشنج می توان با کودکان وارد یک گفتگوی برابر و خودمانی شد.

اما یکی دیگر از سوالهای ما یعنی آیا کودک حق اشتباه کردن دارد یا نه؟ هنوز جواب نگرفته است. شما که اکنون پدر و مادر هستید، روزی کودک و نوجوان و جوان بوده اید، آیا شما اشتباهی به زعم پدر و مادرتان مرتکب شدید؟ با این اشتباه شما، چگونه برخورد شد؟ شما خودتان چه ارزیابی از آن اشتباه مورد نظر پدر و مادرتان دارید؟

ادامه

## اجرای ختنه شدن من

دردی شدید داشتم و یک ماه هنگام شاشیدن بدنم تیغ می کشید. لنگ لنگان راه می رفتم. حال بعد از این همه سال که به آن دوران نگاه می کنم موهای بدنم سیخ شده و خاطره ای دردناک همیشه بر وجودم سنگینی می کند. ما کودکان آن زمان چه دردی می کشیدیم. در منطقه ما سردشت این ماجرا هنوزم وجود دارد. چه

ادامه

## بیانیه حقوق جهانشمول کودکان

غیر دولتی برای گسترش فعالیت معطوف به کسب و تثبیت برابری زن و مرد.

## مصونیت کودکان در مقابل مذهب

داشتن و نداشتن مذهب امر خصوصی بزرگسالان است. کودکان فاقد مذهب و عقاید خرافی و قدرگرایانه اند. مذهب زدایی از محیط رشد و پرورش کودکان از ملزومات فراهم کردن شرایط باز و امن برای پاسخ گویی به نیازهای رشد و پرورش کودکان است. لذا جامعه و نهادهای اداره جامعه موظف اند کودکان را در مقابل مذهب مصون نگاه دارند. به این منظور حقوق زیر بی هیچ قید و شرطی باید بدون استثنا برای همه کودکان به اجرا درآید.

۱- جدایی کامل مذهب از آموزش و پرورش. ممنوعیت مدارس مذهبی برای کودکان.

۲- ممنوعیت تدریس درس مذهبی، احکام مذهبی و یا تبیین مذهبی موضوعات در مدارس و موسسات آموزشی. آموزش جنسی بعنوان ماده درسی در مدارس

۳- لغو کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض اصل آموزش و پرورش غیر مذهبی هستند. ممنوعیت سبیل های مذهبی در مدارس.

۴- برقراری آموزش و پرورش مختلط در تمام سطوح.

۵- ممنوعیت دست اندازی مادی و معنوی مذاهب و نهادهای مذهبی به کودکان و افراد زیر شانزده سال.

۶- ممنوعیت جلب افراد زیر شانزده سال به فرقه های مذهبی و مراسم و اماکن مذهبی.

۷- ممنوعیت حجاب برای دختران زیر شانزده سال.

۸- ممنوعیت ختنه کودکان اعم از دختر و پسر.

۹- ممنوعیت و لغو کلیه قوانین مذهبی که مانع برخورداری کودکان، اعم از دختر و پسر، از یک زندگی

خلاق و شاد و تفریحات و شرکت در فعالیتهای اجتماعی مخصوص کودکان گردد.

۱۰- ایجاد محدودیت برای کودکان برای شرکت در مواد درسی یا فعالیتهای برنامه ای و فوق برنامه ای مدرسه، مصنوع است، مگر به دلایل پزشکی و بنا به منفعت مستقیم کودک.

۱۱- انتقال روزهای تعطیل در هفته از جمعه، به شنبه و یکشنبه برای هماهنگی با سایر کشورهای جهان و برخورداری همه کودکان از یک استاندارد واحد در تقویم درسی.

۱۲- حذف کلیه تعطیلات مذهبی از تقویم رسمی جامعه و تقویم مدارس.

## حقوق کودکان در خانواده

۱- لغو امتیازات مرد بعنوان "سرپرست خانواده" و برقراری حقوق و وظایف برابر برای زن و مرد در رابطه با سرپرستی و تربیت فرزندان، اعمال کنترل و مدیریت دارایی ها و امور مالی خانواده، وراثت، انتخاب محل زندگی و سکونت، کارخانگی و اشتغال حرفه ای، طلاق، سرپرستی کودکان در صورت جدایی و تقسیم و تملک اموال خانواده.

۲- ممنوعیت تعدد زوجات.

۳- ممنوعیت سیغه.

۴- لغو کلیه تعهدات انقیاد آور زن به شوهر در شرع و سنن کهنه.

۵- ممنوعیت تحمیل کارخانگی و یا وظایف ویژه خانه دارانه به کودکان دختر در خانواده.

۶- اعمال مجازات سنگین برای هر نوع آزار، ارباب، سلب آزادی، تحقیر و خشونت علیه زنان و دختران در خانواده.

۷- لغو انتقال اتومانیک نام خانوادگی پدر به فرزندان و واگذاشتن تعیین نام خانوادگی نوزادان به توافق و انتخاب مشترک پدر و مادر. در صورت عدم توافق، کودک نام خانوادگی مادر را بر خود خواهد داشت. حذف نام پدر و مادر از شناسنامه و اسناد هویت رسمی (نظر گذرنامه، گواهینامه،

رانندگی و غیره)

۸- حمایت اداری، مادی و معنوی دولت از خانواده های تک والدی و ویژه حمایت فعال از مادرانی که جدا شده اند و یا اصولا بدون ازدواج صاحب فرزند شده اند، در برابر فشارهای مادی و اخلاقیات ارتجاعی.

۹- برابری کامل حقوق و وظایف والدین، پدر و مادر، در امور مربوط به تکفل و سرپرستی فرزندان پس از جدایی.

۱۰- برابری کامل حقوق پدر و مادر در امور مربوط به سرپرستی و تعلیم و تربیت فرزندان. لغو موقعیت ویژه پدر بعنوان سرپرست خانواده در کلیه قوانین و مقررات و انتقال حقوق مربوط به سرپرستی امور خانواده به یکسان به پدر و مادر.

۱۱- پرداخت کمک هزینه های لازم و ارائه خدمات رادیکان پزشکی، آموزشی و فرهنگی، برای تضمین استاندارد بالای زندگی کودکان و نوجوانان مستقل از وضعیت خانوادگی.

۱۲- قرار گفتن کلیه کودکان فاقد خانواده و امکانات خانوادگی، تحت تکفل دولت. فراهم کردن امکانات زندگی و تربیت آنها در نهادهای مدرن و پیشرو و مجهر.

۱۳- ایجاد مهد کودک های مجهز و مدرن به منظور برخورداری همه کودکان از یک محیط زنده و خلاق تربیتی و اجتماعی، مستقل از شرایط خانوادگی.

۱۴- شانزده هفته مرخصی دوران بارداری و زایمان و یکسال مرخصی برای نگهداری نوزاد با پرداخت حقوق که باید با توافق طرفین توسط زن و شوهر هر دو مورد استفاده قرار بگیرد. تشکیل هیات های بازرسی و کنترل، با وظیفه نظارت بر اجرای تعهدات فوق توسط بنگاه ها.

۱۵- ایجاد موسسات و نهادها و فراهم کردن رایگان تسهیلاتی نظیر شیرخوارگاه ها و مهد کودک ها و کلوب های تفریحی - تربیتی کودکان در سطح محلی.

مسکن، تغذیه، بهداشت و رفاه برای همه کودکان



## بیانیه حقوق جهانشمول کودکان



در قبال پسر تعریف میکند، در مکاتبات و مکالمات رسمی توسط مقامات و نهادها و بنگاه های دولتی و خصوصی.

۴- ممنوعیت هر نوع دخالت از جانب هر مرجعی اعم از بستگان و اطرافیان یا نهادها و مراجع رسمی در زندگی خصوصی و روابط شخصی و عاطفی و جنسی دختران بالای شانزده سال. ممنوعیت تجسس و دخالت در وجود و عدم وجود پرده بکارت دختران، جز در مواردی که مستقیماً به بهداشت و سلامت دختران مربوط است. ۵- ممنوعیت هر نوع برخورد تحقیرآمیز، مردسالارانه، پدرسالارانه و نابرابر با دختران در نهادها و موسسات اجتماعی.

۶- حذف کلیه اشارات تبعیض آمیز و تحقیرآمیز نسبت به زنان و دختران از کتب و منابع درسی و متقابلاً گنجاندن مواد درسی لازم برای تفهیم برابری زن و مرد و نقد اشکال مختلف ستمکشی زن در جامعه.

۷- ایجاد نهادهای بازرسی، تشخیص جرم و واحدهای انتظامی ویژه برخورد به موارد آزار و تبعیض نسبت به کودکان دختر.

۸- تلاش فشرده و مستقیم نهادهای ذیربط دولتی برای مبارزه با فرهنگ مردسالارانه و ضد زن در جامعه.

۹- تشویق و تقویت نهادهای

از اول کودکان پیش نویس اولیه برای ارائه به کنفرانس سوم اول کودکان تهیه شده توسط: شریا شهابی ۱۱ ژوئن ۲۰۰۴

### قسمت سوم

#### ممنوعیت تبعیض بر حسب جنسیت بین کودکان دختر و پسر

رفتار تبعیض آمیز و دوگانه بر حسب جنسیت بین کودکان دختر و پسر، از دوران جنینی و در تمام طول زندگی کودکی، مشخصه رفتار همه جوامع امروزی با کودکان است. اما در جوامع مذهب زده، فقر زده و با فرهنگ های عقب مانده، تبعیض نسبت به کودکان دختر بعلاوه در قوانین، مقررات و اخلاق رسمی جامعه مشروع و مجاز است. لذا برابری کامل کودکان اعم از دختر و پسر در کلیه شئون زندگی، مبارزه ای بی وقفه علیه تبعیض و نابرابری بین کودکان دختر و پسر را ایجاب میکند.

۱- ممنوعیت تحمیل کارخانگی و یا وظایف ویژه خانه دارانه به دختران در خانواده. اعمال مجازات سنگین برای هر نوع آزار، ارباب، سلب آزادی، تحقیر و خشونت علیه دختران در خانواده

۲- تلاش فشرده و مستقیم نهادهای ذیربط دولتی برای مبارزه با فرهنگ مردسالارانه و ضد زن در جامعه. تشویق و تقویت نهادهای غیر دولتی معطوف به کسب و تشبیت برابری زن و مرد.

۳- ممنوعیت استفاده از عناوینی نظیر دوشیزه، بانو، خواهر و هر لقبی که کودک دختر را به اعتبار موقعیتش

## ماجرای ختنه شدن من

ترس و گریه بر چهره همه نمایان بود. جلاد پیر تا من را دید گفت: این که هنوز وقتش نرسیده است. خیلی بچه سال است. هنوز زود است. جلو بیا که فقط نگاهش کنم. ببینم زیاد مانده. اطاق نسبتاً بزرگی که یک طرفش بچه ها و طرف دیگر جای قصابی. یک قابلمه بزرگ برعکس روی زمین گذاشته شده بود. چند تکه پارچه خونی کثیف، یک کیسه خاکستر آماده، یک چاقوی دسته قرمز، یک تنگ آب و یک استکان. به صورت خوابیده کمر را روی قابلمه گذاشتند. سرم در دستان و آغوش مادر بود. مرد پیر آلت من را در استکان آب قرار داد. بعد با دست پوست آن را فشار می داد همزمان سوزشی خفیفی احساس می کردم. سخت به حرکات دستش نگاه می کردم. مدام می گفت آماده نیست. دفعه بعد چند دقیقه گذشت که برای من به اندازه یک سال طول کشید. گفت: چقدر پسر خوبی است، از من پرسید: چندسال داری؟ گفتم: نمی دانم، کاملاً گیج شده بودم ناگهان گفت: نگاه کن آن موش بالای سقف می دود. تا سرم را به طرف بالا چرخاندم سوزشی وحشتناک تمام وجودم را فرا گرفت. واقعا درد شدیدی داشت که زبان از بیان آن قاصرست. با چابکی خاصی کیسه خاکستر را به کمر بست و آلت من را در آنجا قرار داد و لبخند رضایتی بر لبانش نقش بست. مادرم دستیوس شد و بسیار از او تشکر کرد و حق الزحمه را پرداخت کرد. من هم هر چه بد و بیراه و فحش بلد بودم نثارش کردم. تازه هیچ کاری فایده نداشت به ناچار آرام شدم و مشغول خوردن نیمرو شدم. ده روز تمام

میرغضب پیر آمده است. پیرمردی بود لاغر اندام اسمش (چرچه خله) بود. که به زبان فارسی یعنی خضر لاغره. همیشه هفت الاغ همراه خود داشت، سوار یکی میشد شش تای دیگر در جلوش حرکت می کردند که فلسفه این کار را ما نمی دانستیم. ولی کلی برای ما سرگرمی بود. هر وقت از روستای ما رد میشد از طرف بچه های داغ دیده و زخم خورده سنگ باران می شد. ولی او همچنان کار خود انجام می داد. برای خودش سلطنتی داشت. مادرم هرچه خواهش کرد: پسر من باید به حرف خدا و پیامبر گوش کنی، به خرجم نرفت. فرار کردم و از ده زدم بیرون و به کوه زدم. چند نفر دنبالم بودند خود را به نقطه ای کاملاً امن رسانده بودم به خیال اینکه در امان هستم تند تند نفس می زدم، ناگهان دستی شانه هایم را لمس کرد. همسایه مان بود به اسم علی، زدم زیر گریه. مادرم آن طرف منتظر بود. پسر من زود تمام می شود من را بغل کرد و به قریانگاه راهی شدیم. دست و پا می زدم صدای گریه من به چهار طرف می پیچید. همانند یک گنجشک که در دست بچه هاست وحشت داشتم. ده سوت و کور بود. قریانگاه وسط ده بود. صاحبخانه پورخورشید بود. رفتیم توی خانه ترس از سرتاسر آن میبارید. هشت نفر از دوستانم هر کدام یک کیسه پارچه ای خاکستر سرد شده آتش به کمرشان آویزان بود و آلتشان را در آنجا جا داده بودند. تا خونریزی قطع شود. هر کدام از بچه ها یک نیمرو جلوشان بود که گویا قوی است و میخورند تا ضعف بچه ها را به خاطر خونریزی جبران کند. قیافه ها همه غم انگیز، آثار



اسماعیل خضری

مادر: فرزندم خدا دستور داده است سنت پیامبر است.

کودک: خدا کیه؟

مادر: خدا دوست داشتنی و ارجمند است.

کودک: خدا کجا زندگی می کند؟

مادر: در آسمان زندگی می کند و دوست بچه هاست.

کودک: من می ترسم. من وحشت دارم. آخر خدا با آلت تناسلی من چکار دارد؟ آیا خدا خودش ختنه شده است؟ مادر: عزیزم همه بچه ها این کار را کرده اند. تنها تو مانده ای. عجله کن.

کودک: من می ترسم.

مادر: هر چه دوست داری برایت می خرم.

کودک: من هیچی نمیخوام. من خدا را دوست ندارم. او دوست من نیست. چکار به من دارد.

صدای گریه های کودک در ده می پیچید. چندین نفر می خواستند او را بگیرند. مدتی بود پدر و مادرم با هم پیچ می کردند به من نگاه می کردند نگاه معنا دار انگار اتفاقی می افتد. باید این دفعه حتماً کار را تمام کنیم. برای خودش مرد شده است. آن روز تلخ و فراموش نشدنی پدرم مسافرت بود. فضای ده ملتهب شد. هم بازی هایم یکی پس از دیگری دستگیر شدند. درست همانند زمانی که سربازگیری بود و جوانان را به زور به جبهه می فرستادند. انگار کودکان آب شده اند و به زمین فرو رفته اند. حتماً

## ممنوعیت خشونت جسمی و روانی کودکان